

ضرورت رده‌بندی فرهنگ لغات بر اساس نیاز کاربران فرهنگ لغات

مهدی شجاعی

دانشجوی دکتری آموزش زبان روسی، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

shojaei_mehdi84@yahoo.com

واژه‌های کلیدی: دسته‌بندی شریا، زبان روسی، زبان فارسی، کاربران فرهنگ.

رده‌بندی فرهنگ‌ها را می‌توان موضوع جدیدی قلمداد کرد که با توجه به پیشرفت و توسعه علوم مختلف و در راستای سهولت دسترسی به فرهنگ لغات در سال‌های اخیر به صورت جدی‌تری دنبال می‌شود. با توجه به اینکه گروه‌های مختلف در جامعه جزو کاربران فرهنگ لغات هستند و این کاربران بیشتر مواقع استفاده‌های خاصی را از فرهنگ دارند، بررسی و نیازسنجی کاربران، هنگام تهیه و تدوین فرهنگ لغات باید در اولویت قرار گیرد.

متأسفانه موضوع رده‌بندی فرهنگ‌ها در زبان فارسی به صورت جدی پژوهش نشده است، محمد معین به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین فرهنگ‌نویسان زبان فارسی فرهنگ لغات فارسی را این‌گونه تقسیم کرده است: «فرهنگ‌های عمومی زبان فارسی، فرهنگ‌های تخصصی زبان فارسی (فرهنگ فارسی از لحاظ ریشه‌شناسی و لغت‌شناسی، فرهنگ فارسی از لحاظ دستور زبان فارسی، فرهنگ فارسی از لحاظ تلفظ‌های مختلف و تاریخ آن‌ها، فرهنگ فارسی از لحاظ املا (رسم‌الخط)، فرهنگ تصحیفات و تحریفات، فرهنگ مترادف و متضاد، فرهنگ فارسی از لحاظ تاریخ استعمال لغات، فرهنگ فارسی از لحاظ موارد استعمال و نکات ادبی) و فرهنگ‌های موضوعی (فرهنگ عروض فارسی)، فرهنگ هنری (موسیقی، نقاشی، مینیاتور، مجسمه‌سازی، معماری، عکاسی، صحافی، تذهیب و غیره) فرهنگ طبیعی (جانورشناسی، گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیک و شیمی) و فرهنگ پزشکی» [معین، ۱۳۷۹: چهل- و شش و چهل‌وهفت]. البته در سال‌های اخیر فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی رشد چشمگیری داشته و انواع دیگری (تک‌زبانه و چندزبانه) به فرهنگ‌های ذکر شده، اضافه شده است.

برخلاف زبان فارسی که بحث رده‌بندی فرهنگ‌ها در آن جدی گرفته نشده است، در برخی زبان‌های غربی و زبان روسی در خصوص رده‌بندی فرهنگ‌ها پژوهش‌های زیادی صورت پذیرفته است؛

به‌عنوان نمونه «شربا» یکی از این پژوهشگران، فرهنگ لغات را در گروه‌های متقابل زیر تقسیم‌بندی کرده است:

- ۱) فرهنگ فرهنگستانی که با نظارت فرهنگستان تهیه می‌شود-فرهنگ راهنما
- ۲) فرهنگ دانش‌نامه‌ای که اطلاعاتی درباره پدیده‌ها، واقعیات و... می‌دهد. بعضی ویژگی‌های این فرهنگ‌ها شبیه به دانش‌نامه است، برای نمونه می‌توان به فرهنگ‌هایی اشاره کرد که علاوه بر ارائه اطلاعات زبانی مانند تلفظ، املا و معنای سرمدخل، از نام‌ها و اطلاعات تخصصی و فنی، همراه با تصویرهای تخصصی نیز استفاده می‌کند.^۱ -فرهنگ لغات عمومی که صرفاً لغات زبان را دربرمی‌گیرد. این نوع فرهنگ معمولاً به‌صورت یک‌زبانه است که اطلاعات گوناگونی از جمله اطلاعات آوایی، معنایی، املائی، کاربردی و مانند این‌ها و توصیف جامعی از زبان و به‌ویژه واژگان زبان به دست می‌دهد که بسیاری از نیازهای کاربران را مرتفع می‌کند.
- ۳) گنج‌نامه که شامل لغات تخصصی می‌شود. نوعی فرهنگ برای نشان دادن شبکه معنایی واژه‌ها که واژه‌های یک زبان، یک گونه زبانی یا یک حوزه تخصصی را از طریق ارائه نظام‌مند از شبکه واژه‌های مترادف را توصیف می‌کند که مربوط به حوزه‌های معنایی مختلف است. در این نوع فرهنگ، واژه‌هایی که معنای یکسان دارند، در گروه‌های مشخص، فهرست و طبقه‌بندی می‌شوند. چینش سرمدخل‌ها در این فرهنگ، الفبایی یا موضوعی است و برای تمام واژه‌هایی که ذیل هر موضوع قرار می‌گیرند، تعریف ارائه می‌کند.
- ۴) فرهنگ واژگان یا فرهنگ‌های معمولی که شامل واژگان یک زبان به‌صورت تفسیری یا شامل واژگان دو یا چند زبان به‌صورت ترجمه‌ای است. فرهنگ واژگان یا فرهنگ‌های معمولی (تفسیری یا ترجمه‌ای)
- ۴) فرهنگ اندیشه‌نگار یعنی فرهنگ‌هایی که سرمدخل‌های آن به شکل غیرالفبایی و با توجه به نمادهای نوشتاری خاص موجود در نظام نوشتاری زبان مورد نظر مرتب شده‌اند یا هر نوع فرهنگ غیرالفبایی که چینش سرمدخل‌های آن با توجه به ویژگی‌ها و ملاک‌های معنایی انجام شده است.
- ۵) فرهنگ تفسیری (تک‌زبانه) که برای معنای واژه‌های مدخل شده توضیحات دقیق با ذکر جزئیات ارائه می‌دهد. بهترین نمونه این نوع فرهنگ، فرهنگ عمومی یک‌زبانه است.
- ۶) فرهنگ ترجمه‌ای (دو یا چندزبانه) در این فرهنگ‌ها برای واژه‌ها و عبارت‌های یک زبان تعریف و معادل‌های ترجمه‌شده به یک زبان دیگر ارائه می‌شود و از این راه آن دو زبان به یکدیگر مرتبط می‌شود.
- ۷) فرهنگ‌های غیرتاریخی-فرهنگ‌های تاریخی. فرهنگ ریشه‌شناسی که در آن تغییرات صوری و معنایی واژه‌های زبان در طول تاریخ بررسی می‌شود.^۲

۱. تعاریف ارائه‌شده برای انواع فرهنگ‌ها بر اساس واژه‌نامه توصیفی فرهنگ‌نویسی، تألیف فریبا قطره، انتشارات نشر نویسه پارسی است.

۲. Шербa, 1974

برخی از پژوهشگران زبانی فقط به عناوین اصلی در رده‌های مختلف اشاره کرده‌اند. «کوبرین» فرهنگ‌ها را در هشت گروه کلی: فرهنگ‌های واژه‌شناسی، فرهنگ‌های ترجمه‌ای دوزبانه، فرهنگ‌های گویشی، فرهنگ‌های تفسیری، گنج‌نامه‌ها، فرهنگ‌های امثال و حکم، فرهنگ‌های بسامدی و فرهنگ‌های اندیشه‌نگار تقسیم کرده است.^۱ برخی از زبان‌شناسان صرفاً رده‌بندی خاصی برای فرهنگ‌های علمی-فنی ارائه داده‌اند. «گرینو گرینویچ» مؤلفه‌های فرهنگ‌نویسی را در سه محور: عوامل مؤثر در جهت‌گیری فرهنگ‌نویسی، کلان‌نقش یعنی عمده‌ترین و اساسی‌ترین نقش فرهنگ که بر مبنای آن نوع مخاطب و کاربر فرهنگ تعیین می‌شود و خردنقش یا نقشی که به نیازهای کاربر برای مراجعه به فرهنگ در موقعیت‌های مختلف مربوط است، تشریح می‌کند.^۲

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نقطه‌نظر یکسانی بین زبان‌شناسان و فرهنگ‌نویسان در رابطه با رده‌بندی فرهنگ‌ها وجود ندارد، اما هرکدام از این رده‌بندی‌ها می‌تواند نیاز کاربران زبانی را در حوزه‌های مختلف برطرف کند. بر اساس رده‌بندی می‌توان فرهنگ‌ها را به‌صورت تخصصی از یکدیگر متمایز کرد تا کاربران و علاقه‌مندان به حوزه‌های گوناگون به‌آسانی بتوانند مطالب موردنظر خود را در فرهنگ پیدا کنند. اگر فرهنگ‌نویسان، کاربران فرهنگ را به‌عنوان عنصر اصلی و تعیین‌کننده هنگام تدوین فرهنگ به‌حساب بیاورند، می‌توانند بر اساس نیاز کاربران، فرهنگ لغات با کیفیت خوب تدوین کنند.

References

منابع

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (سه‌جلدی)، شامل واژه‌ها و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴، سه جلد (۲۵۳۹ ص)
۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۹
۳. قطره، فریبا، واژه‌نامه توصیفی فرهنگ‌نویسی، تهران، نشر نویسه پارس، ۱۳۹۶
۴. روبینچیک، یوری آرونویچ، فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی (ترجمه شجاعی، محسن)، تهران، کتاب بهار، ۱۳۹۷
5. Шерба Л. В., Языковая система и речевая деятельность. М.: наука, 1974.
6. Кобрин Р. Ю. Теоретические проблемы научно-технической терминологии и практики перевода. Омск, 1985
7. Гринев-Гриневиц С. В. Введение в терминологическую лексикографию. М.: 1986

^۱Кобрин, 1985

^۲Гринев-гриневиц, 1986